



آموزه ۸ پایه‌های آوایی همسان (۲)

آموختیم که برای درک پایه‌های آوایی شعر، هجاها یا نشانه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم برش می‌زنیم یا با خط عمودی، مرز هر دسته از هجاها را مشخص می‌کنیم. پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی شعر، برای درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، «وزن واژه» هر پایه را مشخص می‌کنیم. نکته مهم در دسته بندی هجاها، نوع نظم آنها است. در درس گذشته با دو نمونه از پایه‌های آوایی همسان، آشنا شدیم. اکنون، وزن‌های همسان را فرا می‌گیریم.

غمش در نهانخانه دل نشیند / به نازی که لیلی به محمل نشیند (طیب اصفهانی)

غ مَش دَر	نَ هانِ خا	نِ یِ دِل	نِ شی نَد
بِ نازی	کِ لیلی	بِ مَح مِل	نِ شی نَد

پس از خوانش درست بیت و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کرده ایم. هر مصراع این بیت از چهارپایه همسان تشکیل شده است. وزن این بیت «فعولن» (ت تن تن) است. برای اینکه نظم هجاها را بهتر نشان دهیم، نشانه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

پایه‌های آوایی	غ مَش دَر	نَ هانِ خا	نِ یِ دِل	نِ شی نَد
پایه‌های آوایی	غ مَش دَر	نَ هانِ خا	نِ یِ دِل	نِ شی نَد
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
نشانه‌های هجایی	-- U	-- U	-- U	-- U

به بُرش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت زیر، توجه کنید:

خدایا به خواری مران از درم / که صورت نبندد دری دیگرم (سعدی)

پایه‌های آوایی	خُ دا یا	بِ خا ری	مَ را نَر	دَ رَم
پایه‌های آوایی	کِ صو رت	نَ بَن دَد	دَ ری دی	گَ رَم
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل
نشانه‌های هجایی	-- U	-- U	-- U	- U

نظم و چینش هجاها در این بیت در هر پایه، با نمونه قبلی یکسان است؛ هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده اند و هجاها کوتاه و بلند آنها به صورت یکسان از پی هم آمده اند؛ اما تعداد هجاها پایه چهارم این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیق تر وزن این بیت «فعولن فعولن فعولن فعل» است، در این بیت یک هجا از پایه آخر حذف شده است.

گوشزد: در هر یک از وزن‌های همسان، ممکن است یک هجا یا چند هجا از پایان مصراع سترده شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای چهار پایه، سه پایه یا خانه دارد.

اکنون به پایه‌های آوایی این بیت دقت کنید:

گر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند / وین عالم بی اصل را، چون نَره‌ها بر هم زند (مولوی)



گر جانِ عا	شوقِ دمِ زَند	آتشِ دَ رین	عا لَم زَ نَد
وینِ عا لَم	بیِ اَص لِ را	چُن ذرِ رِ ها	بِرِ هَم زَ نَد

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان تشکیل شده است. به بیان دیگر، هر مصراع بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی دارد. وزن هر مصراع این بیت از چهار وزن «مستفعلن» (تن تن ت تن) تشکیل شده است.

پایه‌های آوایی	گر جانِ عا	شوقِ دمِ زَند	آتشِ دَ رین	عا لَم زَ نَد
پایه‌های آوایی	وینِ عا لَم	بیِ اَص لِ را	چُن ذرِ رِ ها	بِرِ هَم زَ نَد
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

افزون بر آنچه تاکنون از اوزان همسان گفته ایم، پایه‌های آوایی همسان دیگری در وزن شعر فارسی وجود دارد؛ برای نمونه به نظم هجاها و پایه‌های همسان این بیت توجه کنید:

یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم / تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم (مولوی)

پایه‌های آوایی	یار شُن دَم	با غَم تْ	یا رِ شُن دَم
پایه‌های آوایی	تا کِ رِ سی	دَم بَ رِ تْ	زا رِ شُن دَم
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
نشانه‌های هجایی	- UU -	- UU -	- UU -

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته‌های چهار تایی، نظمی همسان ایجاد می‌کند. وزن هر مصراع این بیت از چهار وزن واژه مُفْتَعِلَن (تن تن ت تن) تشکیل شده است. به شعر زیر، دقت کنید.

ای نفس خرم باد صبا / از بر یار آمده ای، مرحبا (سعدی)

پایه‌های آوایی	ای نَ فِ س	خَرَمِ با	دِ صَ با
پایه‌های آوایی	اَز بَ رِ یا	را مَ دِ ای	مَرَحَ با
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعل (فاعلن)
نشانه‌های هجایی	- UU -	- UU -	- U -

بیت زیر از پایه‌های آوایی همسان تشکیل شده است؛ اما چینش نشانه‌های هجایی آن متفاوت است؛ همین موضوع سبب می‌شود که «وزن واژه» دیگری پدید آید. این «وزن واژه» فعلاتن (ت تن تن) است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی (سنایی غزنوی)

پایه‌های آوایی	تْ حِ کی می	تْ عَ ظی می	تْ کَ ری می	تْ رِ حی می
پایه‌های آوایی	تْ نِ ما یِن	دِ یِ فُضْ لی	تْ سِ زا وا	رِ تْ نایی
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
نشانه‌های هجایی	- - UU	- - UU	- - UU	- - UU



وزن واژه (پایه آوایی شعر فارسی)

یک هجایی	دو هجایی	سه هجایی	چهار هجایی غیر پایانی	چهار هجایی
فَع ← -	فَعْل ← - U	فَعولن ← - U	فَعْلَاث ← U - UU	فَاعِلَاتن ← - U - -
	فَع لَن ← - -	فَاعِلَن ← - U -	فَاعِلَاث ← U - U -	فَاعِلَاتن ← - UU - -
		فَعِلَن ← - UU	مَفَاعِلُ ← U - - U	مُفْتَعِلَن ← - UU -
		مفعول ← - U - -	مَفَاعِلُ ← UU - U	مَفَاعِلَن ← - - - U
		مفعولن ← - - -	مُستفَعِلُ ← UU - -	مَفَاعِلَن ← - U - U
			مُستفَعِلَن ← - U - -	
@safari_ir ❀ www.jafarisaeed.ir ❀ @JS_ir ❀ jafari.saeed.ir: اینستاگرام ❀				

خودارزیابی

۱- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها جای دهید:
(الف) بخندد همی باغ، چون روی دلبر ببوید / همی خاک، چون مشک اذفر (رودکی) / اذفر: خوشبو / ببوید: بوی می دهد
 خط عروضی: بخندد همی باغ، چُن روی دلبر / ببوید همی خاک، چُن مُشکِ اذفر

پایه‌های آوایی	بِ خن دَد	هَ می با	غ چن رو	ی دل بر
پایه‌های آوایی	ب بوید	هَ می خا	ک چن مُش	ک اذ فر
وزن	فَعولن	فَعولن	فَعولن	فَعولن
نشانه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- - U

(ب) هین سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود / وارهد از حد جهان، بی حد و اندازه شود (مولوی)
 خط عروضی: هین سخُن تازِ بگو، تا دُ جهان تازِ شَوَد / وارَهَدز حدِ جهان، بی حدِ اندازِ شَوَد

پایه‌های آوایی	هین سَن خَن	تا ز ب گَو	تا دُ ج هان	تا ز ش وَد
پایه‌های آوایی	وا رَه دُز	حد دِ ج هان	بی خ دُ آن	دا ز ش وَد
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
نشانه‌های هجایی	- UU -	- UU -	- UU -	- UU -

(پ) دریدلان راه سفر در پیش دارند / پا در رکاب راهوار خویش دارند (حمید سبزواری)
 خط عروضی: دریدلان راه سَفَر در پیش دارَند / پا در رکاب راهوار خِیش دارَند

پایه‌های آوایی	در یا دِلان	را ه سَن فر	در پی ش دا	رند
پایه‌های آوایی	پا در ر کا	ب راه وا	رخ ش دا	رند
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مُس (فع)
نشانه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	-

(ت) سوزد مرا، سازد مرا، در آتش اندازه مرا / وز من رها سازد مرا، بیگانه از خویشم کند (رهی معیری)
 خط عروضی: سوزد مرا، سازد مرا، در آتَش اندازه مرا / وز مَن رها سازد مرا، بیگانِ آن خِیشم کُنَد



پایه‌های آوایی	سو زِدَم را	سا زِدَم را	تَرَاتِ شَن	دا زِدَم را
پایه‌های آوایی	وزَمَن رَها	سا زِدَم را	بِی گانِ اَز	خِ شَم کُ نَد
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

ث) ای به ازل بوده و نابوده ما / وی به ابد زنده و فرسوده ما (نظامی گنجوی)

خط عروضی: ای ب ازل بود و نابود ما / وی ب ابد زند و فرسود ما

پایه‌های آوایی	ای ب ازل	بود و نا	بود ما
پایه‌های آوایی	وی ب ابد	زین د و فر	سود ما
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعل (فاعلن)
نشانه‌های هجایی	- UU -	- UU -	- U -

ج) سعادت به بخشایش داور است / نه در چنگ و بازوی زورآور است (سعدی)

خط عروضی: سعادت ب بخشایش داورست / ن در چنگ بازوی زوراورست

پایه‌های آوایی	سَن عا دَت	ب بَخ شا	ی شِ دا	و رَسَت
پایه‌های آوایی	نَ در چَن	گَ با زو	ی زو را	و رَسَت
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل
نشانه‌های هجایی	-- U	-- U	-- U	U - U

ج) جریمی ندارم بیش از این، کز جان وفادارم تو را / و رقص آزارم کنی، هرگز نیازم تو را (انوری)

خط عروضی: جریمی ندارم بیش زین، کز جان وفادارم ت را / و رقص آزارم کنی، هرگز نیازم ت را

پایه‌های آوایی	جُر می نَ دا	رَم بی شَن زین	کَز جان وَ فا	دا ر ت ام
پایه‌های آوایی	وَر قَص دِ اَ	زَا رَم کُ نی	هَر کُز نَ یا	زَا رَم ت را
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
نشانه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

ح) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند / همه اسمند و تو جسمی، همه جسمند و تو روحی (سعدی)

خط عروضی: نظر آوردم بر دم که وجودی ب ت ماند / هم اسمند ت جسمی، هم جسمند ت روحی

پایه‌های آوایی	نَ ظ را وَر	دُم بُر دم	کَب و جودی	ب ت ماند
پایه‌های آوایی	هَ مِ اِس مَن	دُ ت جِس می	هَ مِ جِس مَن	دُ ت روحی
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
نشانه‌های هجایی	-- UU	-- UU	-- UU	-- UU

۲- غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

۱- گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود / داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود



قلمرو زبانی: گر: اگر / تمنا: خواستن، آرزو / رفتن: رفتن و نابود شدن / داغ: بسیارگرم و سوزان؛ نشانه؛ اثری که گذاشتن یک جسم سوزان بر پوست به جا می‌ماند / **قلمرو ادبی:** قالب شعر: غزل / وزن: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن / داغ عشق: اضافه تشبیهی / داغ عشق تو گلی نیست: تشبیه / واژه آرایبی: تو، رود / واج آرایبی «ا»

بازگردانی: اگر خواستن تو از خاطر غمگینم برود هیچگاه داغ عشق تو مانند گلی نیست که از یادم برود.

پیام: ماندگاری یاد عشق

۲- نرود حسرت آن چاه زرخدان از دل / تشنه را آب محال است که از یاد رود

قلمرو زبانی: حسرت: اندوه از نبودن یا نداشتن چیزی / **زرخدان:** چانه / را: اضافه گسسته (از یاد تشنه) / **قلمرو ادبی:** چاه: استعاره از گودی چانه / **اسلوب معادله / تضاد:** نرود، رود / **چاه زرخدان:** مجاز از یار زیبا / تکرار قافیه / **چاه زرخدان:** اضافه تشبیهی / **تناسب:** زرخدان؛ دل؛ تشنه؛ آب / از دل رفتن: کنایه از فراموش کردن و دست کشیدن / **تضاد:** نرود؛ رود

بازگردانی: اندوه نداشتن آن یار زیبا از دلم نمی‌رود؛ همانگونه که محال است آب از یاد تشنه برود.

پیام: یادکرد خداوند

۳- نتوان از سر او برد هوای شیرین / لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود

قلمرو زبانی: هوا: هوس / **قلمرو ادبی:** سر: مجاز از ذهن / **تلمیح / واج آرایبی «ر»:** واژه آرایبی: سر / کنایه: لشگر بر سر کسی رفتن (کسی را نابود کردن) / **جناس:** سر؛ بر / **جناس:** بر؛ برد

بازگردانی: اگر لشکر خسرو پرویز بر سر فرهاد برود و او را نابود کند، نمی‌تواند هوس شیرین را از سر فرهاد از میان ببرد.

پیام: یادکرد خداوند

۴- کاش چون شمع همه سر شود اعضای «کلیم» / تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود (کلیم کاشانی)

قلمرو زبانی: اعضا: اندام‌ها / **سراسر:** به تمامی / **قلمرو ادبی:** کلیم: تخلص (نام هنری) / **چون شمع:** تشبیه / **بر باد رفتن:** کنایه / **واج آرایبی «ر»:** سر، سراسر: اشتقاق (همریشگی). / **جناس:** سر؛ بر

بازگردانی: ای کاش همه اندام‌های «کلیم» مانند شمع سر گردد تا یکباره در راه عشق تو نابود شود.

پیام: پاکبازی دلشده

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در غزل بالا مشخص کنید. - ضرب المثل‌ها و الفاظ محاوره: زبان شعر ساده و نزدیک به زبان محاوره است. / **به کار بردن مضمونهای ابداعی:** اعضای کلیم چون سر شود و بر باد رود مضمون نو است / **تکرار قافیه:** «یاد» در بیت نخست و دوم بازآمده است که در گذشته رواج نداشته است.

قالب غزل است. / تلمیح در مضمون سازی نقش فعالی دارد / محور عمودی شعر قوی نیست و سخنور تک بیت گوست / اسلوب معادله در بیت دوم دیده می‌شود.

ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید. - سر: مجاز از ذهن